

بحران مالی

"اتاق فکر" سرمایه داری

بار دیگر به "جنگ"

متوسل خواهد شد!

"عصر ما" ارگان حزب کمونیست آلمان

ترجمه عسگر داوودی

متن زیر ترجمه کوتاه شده مقاله ایست که در تاریخ ۲۶ سپتامبر در هفته نامه «عصر ما» ارگان حزب کمونیست آلمان منتشر شده است. این مقاله، نگاهی است به بحران ساختاری سیستم مالی آمریکا و زمینه هائی که برای تهاجم نظامی به ایران فراهم می شود.

«بحران مالی جهانی که در وهله اول خود را در اقتصاد آمریکا نشان داد، اکنون به آلمان نیز سرایت کرده است. مسئولین امور مالی آلمان از ۱۱ بانک و شرکت بیمه نام برده اند که این بحران گریبان گیر آن ها شده است.

از تعداد ۱۴ بانک ورشکسته در آمریکا ۶ بانک تاکنون توسط رقبای خود بلعیده شده اند. از ۵ بانک سرمایه گذار فعال در وال استریت در فاصله یک ماه اثری باقی نمانده است. فاتحه بیش از نیم بلیون دلار در سطح بین المللی خوانده شده است. شرکت آمریکائی «A.I.G» با ۸۵ میلیون دلار از پول مالیات مردم آمریکا توسط دولت بوش از متلاشی شدن نجات داده شده است. برای نجات بانک های Freddie Mac و Fannie Mae که در بخش رهن و اجاره فعال هستند، مردم آمریکا مجبور خواهند شد که تا بیش از صد ها میلیارد دلار هزینه جلوگیری از ورشکستگی پرداخت کنند. بانک های مرکزی آمریکا نیز مجبور خواهند شد تا هزینه های گزاف مالی را در همین رابطه تحمل کنند.

دولت آمریکا اکنون می خواهد تا با تزریق ۷۰۰ میلیارد دلار این بحران را در محدوده اقتصادی خود کنترل کند.

با توجه به اینکه اقدامات در نظر گرفته شده، فقط برای به حالت عادی در آوردن وضعیت وال استریت پیش بینی شده است، جواب این سوال همچنان باقی می ماند که آیا اقدامات در نظر گرفته شده اساسا بحران را چه در وال استریت و چه در بخش اقتصاد خارج از بازار پول و روزانه در آمریکا به کنترل در خواهد آورد یا خیر؟

این بحران مالی دارای ۵ تا ۶ بلیون دلار فضولات مالی است، اکنون جای سؤال است که آیا دقیقا فاتحه چه مقدار از این پول خوانده شده است؟ و دقیقا باید چه مقدار از این سرمایه در دست مردم در گردش باشد تا از بروز این نوع بحران ها جلوگیری شود؟

از سال های ۱۹۸۰ تاکنون اقتصاد آمریکا بطور مداوم و در بخش های مختلف مجبور به اخذ وام از بانک ها شده است و بطور مرتب بودجه کشور می بایستی افزایش داده می شد. بدهکاری دارندگان کارت های استقراضی حدود ۸۰۰ میلیارد دلار است. تفاوت حجم واردات با صادرات به ۷۰۰ میلیارد دلار رسیده است و بدهکاری دولت آمریکا به بانک ها ۱۱/۳ بلیون دلار می باشد.

در دو دهه گذشته شاخص مصرف در جامعه آمریکا بیش از حد معمول و در سطحی کاملا بالا بوده است، البته این نشانه روند رشد اقتصادی در دنیا نیز هست، اما باید توجه داشت که هزینه این میزان مصرف گزائی توسط مردم در آمریکا عملا از طریق قروض دریافتی مردم از بانک ها پرداخت شده است. بانک ها بخشی از این بازی رو به افزایش بوده اند، این بانک ها به نوبه خود به طور مداوم به قروض خود از بانک های در سایه در آمریکا مثل

Hedge Fonds, Equities, Structured Investment Vehicles: بانک های و بانک های مشابه دیگر افزوده اند.

انبساط سیستم مالی آمریکا اکنون به مرحله انفجار رسیده است. اساسا امور مالی بانک ها بر خلاف سابق که در مرکزی متمرکز انجام می شد، اکنون حتی خارج از بانک ها و با فشار یک تکمه کامپیوتر انجام می شود. پرداخت قروض به مردم از یک سو و دریافت قروض توسط تعدادی از بانک ها از سوی دیگر و عدم بازگشت پول های پرداختی از طرف مردم کار را به جایی رسانده است که بحران مالی موجود مانند یک بهمن انبوه بالای کوه در یک سرایشی در حال ریزش به پائین خود را نشان دهد.

اقدامات دولت بوش جهت رفع این بحران فقط از طریق تزریق پول در بازار مالی آمریکا رفع شدنی نیست، بلکه همزمان به افزایش رشد اقتصادی نیاز است.

اگر بدهکاری های خارجی آمریکا از طرف طلبکارانش بخشوده نشود، قدرت نظامی آمریکا و قدرت خرید بی حساب و کتاب مردم در آمریکا زیر سؤال خواهد رفت. هر دو مورد ذکر شده به طور کاملا جدی از هم اکنون موضوع بحث می باشند.

وضعیت نظامی فعلی آمریکا در سطح بین الملل و ارتباط متقابل آن با بحران مالی موجود، قدرت تجاری و سیاسی امپریالیسم آمریکا را کاهش خواهد داد و با توجه به تمامی شرایط موجود، سرمایه گذاری خارجی در آمریکا یک عمل غیر واقع بینانه جلوه خواهد کرد. در روز های گذشته اگر چه ارزش دلار در حد بسیار کمی بالا رفته است، اما با توجه به افزایش ۲۵،۴۵ دلاری قیمت نفت آن هم فقط در یک روز (این مقاله در ماه سپتامبر نوشته شده است - مترجم)، این سوال مطرح است که افزایش بیشتر قیمت نفت چه تاثیرات منفی جدیدی به بحران مالی آمریکا اضافه خواهد کرد؟

بحران موجود که حاصل عملکرد سیستم قرض دهی در آمریکا است ممکن است به یک بحران جدید دیگری که حاصل از انباشت سرمایه می باشد منجر شود. چنین بحران جدیدی می تواند خود را در شکل سفته بازی نشان بدهد.

سرمایه گذاری در بخشی که خود دارای بدهکاری است، می تواند پیچیده و غیر خردمندانه باشد، در شرایطی که تورم در نظام سرمایه داری حتی با قروض دولتی نیز قابل درمان نیست، می توان انتظار بروز یک بحران جدید دیگری را داشت، این اتفاق جدید می تواند یک رکود اقتصادی دراز مدت باشد که حتی به متلاشی شدن ساختاری نظام سرمایه داری جهانی منجر شود.

علامت پیدایش این پروسه از چندین سال قبل در دنیای سرمایه داری قابل مشاهده است. از تابستان سال گذشته این پروسه موجودیت خود را کاملا نشان داد. عدم تسلط ایدئولوژیکی، وضعیت نا بسامان «اقتصاد اجتماعی»، ورود به «پروسه نئولیبرالیسم» و همچنین پیدایش بالانس قدرت مابین کشور های امپریالیستی، همگی حاکی از بروز یک بحران استثنائی و ساختاری در نظام سرمایه داری جهانی است. برای خروج از این بحران چشم اندازی قابل تصور موجود نیست، زیرا جهت خروج از بحران به استعداد های موجود در نیروی کار فعال در سطح بین المللی بها داده نمی شود. به همین دلیل «اتاق فکر» دنیای سرمایه داری مطابق معمول راه حل های فرعی و ساده را بر خواهد گزید: **جنگ**.

تهاجم نظامی به **ایران** جهت انحراف افکار عمومی مردم آمریکا از بحران و البته به امید پایان بخشیدن به بحران ساختاری گریبانگیر موجود.